

سیاست هوشمندانه ایران و ماجرای غزه بعد از ۷ اکتبر

سال‌ها حمایت مالی و نظامی اش از حماس با حمله هفتم اکتبر جواب گرفته است. بقیه این هفت هفته را مقام‌های ایرانی در تلاش برای فشار بر اسرائیل و ایالات متحده آمریکا برای محدود کردن واکنش اسرائیل علیه حماس صرف کرده‌اند با این امید که شاخته نظامی این گروه در غزه، به طور کامل منهدم نشود.

به گزارش سایت خبری پرسون، جنگ اسرائیل با حماس، برای ایران فرصت‌ها و نیز تهدیدهایی را با خود می‌آورد. مهمترین تهدید، انهدام کامل توانمندی نظامی حماس، یک عضو مهم "محور مقاومت" تحت رهبری تهران است. جلوگیری از این سناریو، در قلب تلاش‌های دیپلماتیک منطقه‌ای تهران از هفتم اکتبر تاکنون قرار داشته است.

اما فرصت محتمل برای تهران هم دو جنبه دارد. یکی در کوتاه مدت که تهران از ظهور یک گرایش تازه ضد اسرائیلی در جهان اسلامی و نیز جهان جنوب‌خشنود است. اما ادامه این منازعه، همچنین یک فرصت بسیار معنی‌دارتر برای تهران فراهم می‌آورد: اینکه موضعش در برابر اسرائیل را از بنیاد تغییر دهد و سیاستی در پیش بگیرد که هیچ‌کس تصور آن را نمی‌تواند بکند، البته در این رابطه ایران سیاست ابهام‌هوشمندانه‌ای را در پیش گرفته است، واقعیتی که نباید از چشم جامعه بین‌المللی پنهان بماند.

از همه اینها گذشته، ایران این جنگ را فرصتی برای انتقام از اسرائیل می‌بیند. ایران نه تنها اسرائیل را مسوول ترورهای بیشمار در خاک ایران می‌داند بلکه دولت یهودی را به عنوان نیرویی اساسی می‌شناسد که تلاش‌های بین‌المللی برای منزوی نگه داشتن ایران را به پیش می‌راند.

از چشم تهران، سال‌ها حمایت مالی و نظامی اش از حماس با حمله هفتم اکتبر جواب گرفته است. بقیه این هفت هفته را مقام‌های ایرانی در تلاش برای فشار بر اسرائیل و ایالات متحده آمریکا برای محدود کردن واکنش اسرائیل علیه حماس صرف کرده‌اند با این امید که شاخته نظامی این گروه در غزه، به طور کامل منهدم نشود. البته ایران و گروه مسلح متحدش در لبنان یعنی حزب الله روشن ساخته‌اند که برای نجات حماس، مستقیماً وارد جنگ نخواهند شد.

رهبر عالی ایران از ابتدا از کشورهای اسلامی خواست که روابطشان با اسرائیل را قطع کنند و تعلیق روابطشان با این رژیم را خواستار شد.

خلاصه اینکه تهران مراقب است که دستش را خیلی هم رو نکند و به روشنی خواهان آن نیست که اجازه دهد جنگ غزه به نقطه اختلافی با کشورهای عربی که روابط دیپلماتیک با اسرائیل دارند، تبدیل شود. از جمله آنها، امارات متحده عربی است که شریک تجاری مهم ایران است و چند سالی است در چارچوب توافق ابراهیم روابط رسمی دیپلماتیک و اقتصادی با اسرائیل برقرار کرده است.

این مسئله، توجه ما را به فرصتی جلب می‌کند که ایران به دنبال چرخشی بنیادین در سیاستش در برابر اسرائیل است. از سال ۱۹۷۹، اسلام‌گرایان تهران از پذیرش حق موجودیت اسرائیل خودداری کرده‌اند. در دوران محمد خاتمی، رئیس‌جمهوری اسبق، تهران اشاره کرد که یک راه حل سیاسی را که برای فلسطینی‌ها مقبول باشد، می‌پذیرد و البته هیچ اشاره روشنی به شناسایی اسرائیل نکرد.

امروز، به رغم خشم گسترده در سراسر منطقه نسبت به جنگ اسرائیل در غزه، تهران لاجرم در نظر می‌گیرد که آن ائتلاف بزرگ ضداسرائیلی منطقه‌ای و جهانی که به آن امید بسته بود، حتی پس از جنگ محقق نخواهد شد. بنابراین موضع مبارزه جویانه ایران علیه اسرائیل رنگ و بوی دیگری به خود خواهد گرفت، به ویژه وقتی که جامعه بین‌المللی برای از سرگیری گفت‌وگوهای اسرائیلی فلسطینی فشار وارد کند.

مسیر جایگزین این است که تهران اسرائیل را بپذیرد بی آنکه آن را آشکارا اعلام کند و رسماً بخواهد این رژیم را قبول کند. تهران در همین جنگ ادامه دار غزه، گام نخست در این زمینه را برداشت. در اکتبر گذشته، تهران به یک پیشنهاد عربی برای آتش بس میان حماس و اسرائیل رای مثبت داد، گامی که در اساس، اذعان ضمنی تهران به دولت اسرائیل به عنوان یک واقعیت است.

جامعه بین‌المللی و به ویژه کشورهای عربی که تهران به همکاری با آنان مایل است، باید ایران را تشویق کنند که سیاست‌هایش را سازگار کرده تا بتواند نقش سازنده‌ای در درون فرایند صلح اسرائیلی فلسطینی داشته باشد به جای آن که صرفاً به عنوان یک عامل تخریبی از بیرون عمل کند.